



«ایران» از اجرای قوانین سختگیرانه برای تغییر چهره نمای ساختمان‌هاو تأثیرگذاری آن گزارش می دهد

نمای «ایرانی نما»

بیشتر ساختمان‌ها در ظاهر نمای ایرانی دارند اما فاقد هویت ایرانی اند

حیدره امینی فرد خبرنگار

به ساختمان‌های تهران نگاه کنید. به آن چند ده هزار تایی که نه در این دو-سه سال اخیر که لاف‌ل در یک دهه گذشته ساخته شده اند. حالا اگر از شما بپرسند که در نمای این ساختمان‌ها، بیشترین چیزی که توجهتان را جلب کرده چیست. چه پاسخی می دهید؟ حتی اگر در دسته معماران و شهرسازان و پیمانکار و بفروش‌ها و بسازو بندها زما هم نباشید، می توانید به‌عنوان یک مخاطب عادی از سنگ مرمر و گرانیت و شیشه و آجر نماها سر دربیابید. نمای رومی پسند اغلب ساختمان‌های تهران حالا همان چیزی است که این روزها، چهره کوچ‌ها و خیابان‌های شهرهای ما را به تسخیر خود درآورده است، ساختمان‌هایی شبیه بهم که اگر صاحبان شان پول بیشتری خرج کرده باشند، با مجسمه‌های رومی، تفاوت شان را به رخ می‌کشند و اگر هم بودجه‌شان کفاف رقابت در این بازار سردرگم را ندهد، به سیمان سفید روی می آورند. جالب اینکه برخی مالکان و مشاوران املاک، از نماهای به اصطلاح رومی برای جلب نظر مخاطب استفاده می‌کنند و با جلال و جبروتی که در پس این نماها به ذهن مشتری‌ها می‌آید، بر نرخ پایه منطقه اضافه می‌کنند. حالا این رویه آنقدر ادامه پیدا کرده که با وجود سختگیری‌ها برای الزام استفاده از آجر در نما و انعکاس هویت ایرانی در معماری ظاهری ساختمان‌ها، بازهم مشتری بر حسب اشتیاق و تغییر ذائقه دنبال نماهای رومی است! برخی کارشناسان معتقدند که این عادت بصری نه به علت جذابیت نماهای رومی که به خاطر طرح‌های خسته‌کننده و تکراری است که این روزها به‌عنوان طرح ایرانی به خورد مخاطب داده می‌شود! طرح‌هایی که تنها وجه تشابه شان با معماری ایرانی، استفاده از آجر به جای سنگ است!

■ **آجر یاسنگ! مسأله ذائقه مشتری است**

علی هاشمی یکی از سازندگان پرکار شرق تهران تأکید می‌کند که هم اکنون ضوابط سختگیرانه‌ای برای اجرای نمای ساختمان‌ها در حال اجراست. او که هم اکنون چند ساختمان در حال ساخت در منطقه ۱۲ دارد، به «ایران» می‌گوید: «در منطقه ۱۲ چون یک منطقه تاریخی با بافت سنتی محسوب می‌شود باید ۹۰ درصد نما آجری باشد و ما به‌عنوان سازنده حق داریم فقط ۱۰ درصد سنگ کار کنیم، به قطع می‌توانم بگویم که نمای رومی دیگر کار نمی‌شود. در منطقه ۱۴ هم تا آنجاکه می‌دانم تا ۳۰-۴۰ درصد سنگ باشد مشکلی ندارد، اما در بقیه مناطق وضعیت فرق دارد. سازنده نیز ملزم به رعایت این قوانین است به طوریکه اگر تخلف کند و از طرحی که در کمیته نما به تصویب رسیده است، انحراف نشان دهد، علاوه‌بر اینکه پایان کار صادر نمی‌شود، پرونده تخلف هم به کمیسیون ساده ۵۰-۱۰۰ می‌رود. در این صورت باید نما ریخته شده و از نو نماکاری انجام شود. شخصاً با چند مورد در منطقه ۱۴ مواجه شدم که سازنده به اجبار نما را از نو زده است. با اینهمه اگر از من سازنده بپرسید کدامیک را ترجیح می‌دهید سنگ یا آجر؟ اگر به انتخاب خودم بود، نما را سنگ می‌زدم.»

اما چرا سازندگان تمایلی به نمای آجری ندارند؟ آیا نمای آجری‌گران‌تر از نمای سنگ برای سازندگان تمام می‌شود؟ هاشمی پاسخش به این سؤال منفی است. او می‌گوید: «اتفاقاً نمای آجری ارزان‌تر است، اما اجرایی نمای آجری سخت‌تر از نمای سنگ است. برای همین نماکار سنگ با آجر متفاوت است. یعنی هزینه‌ای که بابت نمای آجر پرداخت می‌شود متری ۵۰-۴۰ هزار تومان بیشتر از نمای سنگ است. جدا از این، مشتری نمای سنگ را بیشتر آجری می‌پسند، اینکه ما بخواهیم معماری ایرانی اجرا کنیم در شرایطی خوب است که اول مردم را متقاعد کنیم که نمای آجری را انتخاب کنند. الان سلیقه مردم، نمای رومی (سنگی) است. درحالی‌که دوام آجر بیشتر از سنگ است. اما مشتری خانه‌های نما اجرا را کمتر می‌پسند.» این سازنده با اشاره به مراحل سختگیرانه تأیید نما در کمیته نما می‌گوید: «زمانی که برای گرفتن جواز اقدام می‌کنیم یعنی در

ایرانی دارد اما باطن آن هویت ندارد.

او ادامه می‌دهد: من معتقدم می‌توان با هر روشی حتی نمای رومی، هویت معماری ایرانی را زنده کرد. یک نمونه مشهور همین مصلاي تهران است. آرك‌های مصلی همه نیم دایره است که خب ما در معماری ایرانی اما آیا به نظر شما مصلی فضای معماری غیر ایرانی را منعکس می‌کند؟ قطعاً نه. شما کاملاً فضای معماری اسلامی و ایرانی را حس و درک می‌کنید. چون هویت دارد و مخاطب این را می‌فهمد.

فاضلی با انتقاد از حضور کمرنگ معماران و کارشناسان متخصص و فنی در طراحی نمای ساختمان می‌گوید: الان کار در دست سازندگان و ثروتمندان است و آنها اجازه نمی‌دهند که معماران هنر و خلاقیت خودشان را عرضه کنند. چون نفع مالی و پول حرف اول را می‌زند و اگر قرار باشد معماری روی طرحی کار کند مستلزم صرف زمان و البته هزینه است. پس به صرفه این است که از طرح‌های مشابه و تکراری و بی‌خلاقیت استفاده شود.

همان ابتدای مسیر، چند طرح هم برای نما ارائه می‌دهیم که البته به این راحتی‌ها تأیید نمی‌شود و بعد از چند بار رفت و برگشت و رفع ایرادات باید دقیقاً همان طرح نهایی تأیید شده را اجرا کنیم وگرنه ایراد می‌گیرند. در منطقه ۱۲ که بحث خیلی جدی است. البته منکر این نمی‌شوم که در برخی مناطق ممکن است در ازای دریافت کمی پول، در برابر طرح پیشنهادی سازنده، کمی انعطاف هم به خرج دهند.»

■ **نماهای بی هویت در پس ظاهر ساختگی**
حمیدرضا فاضلی، مهندس معمار به اهمیت منظر شهری در معماری می‌پردازد. او می‌گوید که هماهنگی ساختمان‌ها از نظر نما بسیار مهم است باید این همخوانی و هماهنگی در نما دیده بشود. متأسفانه در تهران پرآکندگی در نمای ساختمان‌ها زیاد است، به طوری‌که ساختمان‌های تهران از نظر بصری شلوخه و نامنظم دیده می‌شوند.

او با انتقاد از اجرای طرح‌های تکراری و خسته‌کننده در کنار هم می‌گوید: اینکه گفته

می‌شود نما حتماً باید ایرانی و بومی باشد، از نظر من حرف چندان درستی نیست. چرا که اگر قرار باشد همه ساختمان‌ها نما آجر کار شود خسته‌کننده می‌شود. درست این است که بگوئیم ترکیب و تناسب را در نما رعایت کنید. کپی کاری و شبیه هم شدن هم به اندازه طرح‌های غیر بومی باخطر ناک است. در حقیقت نما باید از نظر مواد و مصالح متفاوت بوده اما در اصل هم خون و همخون باشد. الان بعضی ساختمان‌ها هیچ ارتباط معنایی و ظاهری باهم ندارند. در معماری ما اصطلاحی داریم که می‌گوئیم نماها را کلاژ کار کرده‌اند یعنی همخون نیستند. معماری یک میحت جهانی است و نمی‌توان فقط بر اجرای طرح‌های بومی تأکید کرد. مهم این است هر نما و ساختمانی که کار می‌شود هویت داشته باشد. مثلاً مسجد را می‌توان یک معماری ایرانی نامید چون از نظر ظاهری ارتباط زنده‌ای با مخاطب برقرار می‌کند. البته الان در مساجد روی سقف صاف بتنی قوس‌ها را از سقف آویزان می‌کنند. شاید ظاهر معماری ایرانی داشته باشد اما از نظر سازه بی‌هویت است. متأسفانه معماری ما در حال حرکت به این سمت است. یعنی ظاهر

”

سرپرست اداره کل معماری و ساختمان شهرداری تهران؛ اصولاً هیچ گونه تفاوتی از نظر نحوه بررسی، مدارک مورد نیاز، روند بررسی و... وجود ندارد اما یا توجه به تمکن مالی بالاتر قطعاً در مناطق گران، مصالح مورد استفاده و اجرای آنها کیفیت بالاتری دارد. در حال حاضر هیچ گونه اعتقادی بر اجرای الگویی خاص برای کل شهر نداریم و آن چیزی که همیشه مورد تأکید است مسأله هماهنگی در بافت و بدنه شهری است، بر این اساس تنها در صورتی که در یک معبر متقاضیان تمایل به اجرای الگویی خاص داشته باشند امکان این امر مسیر می‌شود

که در آن صورت هم اصولاً با توجه به تفاوت‌های موجود در ابعاد قطعات، بازهم شاهد تفاوت‌هایی هر چند جزئی خواهیم بود

عبدالرضا گلپایگانی، مهندس معمار

و کارشناس شهری البته از زوایه دیگری به موضوع نما می‌پردازد. او ترجیح می‌دهد نگاه عمیق‌تری به این موضوع داشته باشد و از فرایند و تحولاتی بگوید که نما به‌عنوان بخشی از معماری در طول دوره‌های تاریخی پشت‌سر گذاشته است.

او معتقد است معماری یک پدیده منسجم و یکپارچه است که در واقع پوسته بیرونی آن نما است. بنابراین اگر قرار به بحث درباره نما باشد، باید به زمینه و گستره معماری بپردازیم و نه اینکه تنها بخشی از آن را که نما نام دارد بررسی کنیم.

گلپایگانی می‌گوید: «براین اساس پیش از اینکه بخواهیم موضوع نما را واریسی کنیم، باید تاریخ معماری را مطالعه کنیم؛ اینکه چه دوره تاریخی را پشت‌سر گذاشته و به اینجا رسیده‌ایم. اوج معماری ایرانی که حاصل تکامل گام به گام است در دوران صفوی است. پس از آن‌هم یک دوره تاریخی طی شده تا معماری امروز شکل گرفته است. در هر کدام از این دوره‌ها رخدادهای بسیاری بر معماری ایرانی اثر گذاشته است. بنابراین مطالعه سیر تحول معماری ایرانی تا صفویه و پس از آن تا امروز

گرفته است. یعنی عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقلیمی، تکنیکی و فنی تأثیر خود را گذاشته و نمی‌توان و نباید آن را نادیده گرفت. بنابراین شناخت نسبت به گذشته نباید متوقف شود و برای تبیین راه آینده باید از گذشته درس گرفت. مثلاً در گذشته خانه‌های ایرانی در بافت متراکم محله و کوچه‌های باریک بود، اما وقتی در دوره مدرن، مفهوم خیابان‌امروزی به شهرهای ما وارد شد و خیابان به یک محل رفت‌وآمد همگانی تبدیل شد، کم‌کم خانه‌ها به سمت خیابان رو کردند و در نتیجه پدیده‌ای به نام «نمای ساختمان» رو به فضای شهری متولد شد. نمای امروز یعنی رو کردن معماری و فضای زندگی به یک فضای همگانی به نام خیابان! بنابراین خیابان‌های شهری نما را برای ما به یک مسأله تبدیل کرد که باید تکلیفمان را با آن روشن می‌کردیم.»

او ادامه می‌دهد: «اتفاق دیگری که از این تأثیر فرهنگی ریشه می‌گیرد، آشنایی با فرهنگ ملل بود، بویژه در دوره مشروطه و قاجار و پس از آن در دوره پهلوی، آشنایی با معماری اروپایی بیشتر نمود پیدا کرد. مثلاً در معماری اروپایی بناها بیشتر برون‌گرا بودند. عامل اثرگذار دیگر مصالح و تکنیک‌های تازه است. مثل شیشه‌های بزرگ و پنجره‌های فراوان، سازه‌های بلندمرتبه و... این دگرگونی در مصالح نیز بر زبان معماری اثر نهاد. اگر در دوره دگرگونی روال درستی طی می‌شد و کار در دست حکیمان معماری می‌بود، آنها به تدریج برای این رویدادها پاسخ درخور می‌یافتند، چنانچه در ابتدای مواجهه با غرب، معماری ایرانی وارد یک بده بستان فرهنگی می‌شود، اما شوریختانه این اتفاق مداوم نیافت. در واقع به علت حاکمیت یک دوره طولانی نخوت، رشد تکنولوژی و دانش در غرب، ما در برابر بیگانگان دچار نوعی حس ازخودباختگی شدیم و فکر می‌کردیم هر آنچه از غرب می‌آید

وی درخصوص طراحی شهری می‌گوید: «در طراحی شهری با تأکید بر وجود هماهنگی‌های لازم با بافت و همجواری‌ها بررسی‌های لازم از سوی عضویات علمی طراحی شهری انجام می‌شود.»

او درباره اینکه هم اکنون چه شرایطی بر



مقدس است و باید تقلید کنیم. یعنی آنچه می‌توانست معماری را متناسب با شرایط امروز تکامل دهد از دست رفت و مقلد فرهنگ‌های دیگر شدیم البته از آنها نه تبعیت منطقی که جاهلانه کردیم. بخش زیادی از این مسأله در نما و چهره شهرها خودش را نشان می‌دهد. درحالی‌که نمای ساختمان‌ها در شهرهای اروپایی دارای نظم و انضباط است اما چون تقلید ما آگاهانه نبوده و فقط نوه قله خج را دیده‌ایم بخش ظاهری را کپی کرده‌ایم و این آشفتگی و بی‌نظمی در نماها نشان‌دهنده آشفتگی سازگار توسعه در کشور است.»

گلپایگانی درباره اینکه در چنین وضعیتی چه باید بکنیم، می‌گوید: «امروز باید برگردیم و مسائل را موشکافانه و عمیق بررسی کنیم. ضمن آنکه نباید از تجربه کردن کارهای درست مبتنی بر معماری ایرانی واهمه داشته باشیم. الان در تهران دستورالعمل درباره طراحی نما داریم، اما قبل از نوشتن این دستورالعمل‌ها باید بستر منطقی و تکامل تدریجی را مد نظر قرار می‌دادیم. مثلاً می‌گوئیم طراحی نما باید هویت ایرانی داشته باشد، خب عناصر هویت بخش معماری ایرانی چیست؟ باید مساجان فن در این زمینه نظر دهند و چند نکته کلیدی را بپذیریم؛ هیچ مدیئتی بدون قانون و انضباط شکل نمی‌گیرد، شهر متعلق به همه شهروندان است، منفعتم همگانی سرمشق کارها است، هویت ایرانی نباید فراموش شود و معیارهای توسعه‌یابدار در همزیستی با طبیعت و آشتی با فرهنگ در دستور کار باشد. آنچه امروز می‌سازیم فضای زندگی نسل‌ها آینده است و رشد و بالابندی ایرانیان به آن بستگی دارد. باید از تجربه‌های خوب و معمارانه پشتیبانی کرد. در شهرداری تهران برای رسیدن به نمای مناسب در گام نخست کمیته‌های نما شکل گرفت که در آنها استادان دانشگاه و حرفه‌مندان درباره طرح‌ها مذاکره می‌کنند.»

با این همه باید پرسید چرا با وجود تشکیل کمیته‌ای به نام «نما» و حضور متخصصان معماری و شهرسازی در این کمیته طی سال‌های گذشته و البته تدوین دستورالعمل‌های اصولی و سختگیرانه، نمای ساختمان‌های ما همچنان آشفته به نظر می‌رسد؟ گلپایگانی در جواب این سؤال می‌گوید: «اصلاح روند به زمان نیاز دارد و توسعه امر تدریجی است. چهره ناخوشایند شهرها حاصل ۹۰-۸۰ سال است. در دو سه سال تغییر جدی رخ نمی‌دهد. اگر در نظر بگیرد سالانه ۸-۷ هزار ساختمان ساخته شود،

بعد از آن تقسیم کنیم.»

برخی کارشناسان شهری معتقدند تهران دارای یک معماری آشفته و شلخته است. با وجود این سلیمی اذعان می‌کند که از زمان برگزاری کمیته‌های نما، شاهد ارتقای کیفیت و نیل به هویت معماری ایرانی تا حد زیادی هستیم، به طوری که می‌توانیم نماها در سطح شهر تهران را به زمان قبل از برگزاری کمیته نما و بعد از آن تقسیم کنیم.

■ سه‌شنبه ۲۲ شهریور ۱۴۰۱

■ سال بیست و هشتم

■ شماره ۸۰۰۴

باز هم در برابر یک میلیون و ۴۰۰ هزار قطعه ملکی، نمی‌توان تغییر چشمگیری را دید. برای ارزیابی باید همین تعداد را با دوره‌های گذشته مقایسه کرد. هر چند باور دارم باید فرایندهای اداری صدور پروانه کوتاه‌تر شود اما درباره الزامات مهندسی و طراحی نباید شتاب‌زده رفتار کرد. طولانی شدن زمان صدور پروانه برای تأیید طراحی نما یک ضرورت است که با وجود مخالفت‌ها باید نتیجه آن را مبارک دانست. حال و آینده شهرهای ما در گرو رفتار امروز ما است و همه ما در برابر آن مسئول هستیم.»

■ **اجام متخلفان نما به کمیسیون ماده ۱۰۰**
اما طرح‌های تأییدی در کمیته نما باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟ آیا یک طرح به صرف رعایت مؤلفه‌های ایرانی می‌تواند تأییدیه دریافت کند؟

حامد سلیمی، سرپرست اداره کل معماری و ساختمان شهرداری تهران با بیان اینکه موضوع تأیید نما در کمیته‌های نما از منظر معماری و طراحی شهری بررسی می‌شود، می‌گوید: «موضوع معماری از طریق رعایت اصول و ضوابطی که از سوی اداره کل معماری و ساختمان تهیه و ابلاغ شده، انجام می‌شود که در این میان ویرایش جدید «ضوابط عام نماسازی به همراه توصیه‌های عام نما» که در تیرماه ۱۴۰۰ ابلاغ شد اهمیت بالایی دارد. این مجلد احکام سلبی و احکام ایجابی دارد. در واقع احکام سلبی به بیان نبایدها و احکام ایجابی به بیان بایدها در طراحی نما می‌پردازد.»

وی درخصوص طراحی شهری می‌گوید: «در طراحی شهری با تأکید بر وجود هماهنگی‌های لازم با بافت و همجواری‌ها بررسی‌های لازم از سوی عضویات علمی طراحی شهری انجام می‌شود.»

او درباره اینکه هم اکنون چه شرایطی بر

اجرای نما حاکم است و اگر سازنده‌ای تخلف